

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ می ۲۰۱۸

امتناع "دوستم" از دیدار با "غنی احمدزی"

شنبه- ۲۹ ثور ۱۳۵۷ - کابل: احتمالاً شما هم از طریق رسانه ها اطلاع یافتید که در کنفرانس روز گذشته به اصطلاح سران کشور های اسلامی که به پیشنهاد "اردوخان" جلاد ترکیه به بهانه مبارزه علیه تجاوزات و جنایات اسرائیل علیه خلق فلسطین تشکیل شده بود، به نمایندگی از افغانستان "غنی احمدزی" رئیس جمهور دولت دست نشانده و "صلاح الدین ربانی" سرپرست وزارت خارجه همان اداره شرکت نموده بودند.

تا جایی که به بحث های هر دو نفر بر می گردد، بحث ها و صحبت ها نشان می داد که جنجال و کشمکش "حکومت خیانت ملی" در حدیست که حتا در یک کنفرانس عادی هم نمی توانند از موضع واحد صحبت نمایند. مثلاً در حالی که "غنی احمدزی" طی سخنرانی مبسوطی که فکر می کرد تمام رؤسای کشور های دیگر کم سوادانی از جمع "باندارگ" است یک صحبت به اصطلاح اکادمیک نمود و یا به گفته "النین" - "حرف زد تا چیزی نگفته باشد" - و در تمام آن سخنرانی که اینجا و آنجا از مصایب وارده بر مردم فلسطین یاد نمود، حتا برای یک بار به حساب قسم هم که شده یک بار، نامی از اسرائیل نبرد. توگویی تمام مصایب و جنایات بر مردم فلسطین از کدام کره دیگری اعمال می گردد که "مغز متعفن" نه نام آن را می داند و نه هم اجازه دارد تا نام آن را تذکار دهد.

عکس "غنی احمدزی"، وزیر خارجه اش گذشته از آن که نام اسرائیل غاصب و تجاوز گر را تذکار داد از حمایت مردم و دولت افغانستان و پشتیبانی آنها از مردم فلسطین و داعیه آنها نیز چنان با طمطراق یاد کرد توگویی افغانستان کشوریست مستقل، نه در آن نیروهای اشغالگر وجود دارد و نه هم همه روزه خون خلق افغانستان در آن می ریزد و از همه بالاتر دولت نه تنها دست نشانده نیست بلکه مرکز هدایت جنبش های آزادیبخش نیز در آنجا انتقال یافته است. چیزی که در این محفل حین سخنرانی "ابن الاخوان" سخت کمبود داشت، یک انسان آزاده ای که از وی بپرسد:

جناب! شما که اینهمه عاشق آزادی و عدالت هستید، چطور است که اول فکری برای مردم خودتان کرده به ۴۴ کشور اشغالگر راه خروج از افغانستان را نشان داده به جنایات آنها خاتمه دهید، بعد یادی از مردم فلسطین بکنید.

از آن جایی که صحبت های ضدو نقیض دو نماینده از افغانستان آن قدر مسخره و دور از واقعیت های داخلی، منطقه ئی و جهانی است که اگر بخواهم بر آن مکث نمایم مثنوی هفتاد من کاغذ از آن بیرون خواهد شد، فقط به یک نکته حاشیه ئی مسافرت "غنی احمدزی" به ترکیه می پردازم.

شما اطلاع دارید که "دوستم" یک تن از جنایتکاران باند "غنی احمدزی" با رئیسش قهر نموده و از ترس بازخواست بابت "سوراخ ایشچی" به ترکیه پناه برده است. این را هم شنیده اید که در هفته های گذشته "دوستم" چند بار به پیشنهاد دیدار با "گلبدین" جواب رد داده است. آنچه در خبر های سرچوک امروز شنیدم، وقتی "غنی احمدزی" در ترکیه بوده از دو مجرا تلاش نموده تا خود با "دوستم" دیدار نماید. یکی واسطه شدن "اردوخان" و دیگری تلاش مستقلانه خودش. گویند "اردوخان" که از سخنرانی "غنی احمدزی" ناراحت بود و از مناسباتش با عربستان سعودی و اسرائیل نیز آگاه است، به بهانه این که در امور داخلی افغانستان مداخله نکرده و مهمان خود را تحت فشار قرار نمی دهد، به پیشنهاد "غنی احمدزی" جواب منفی داده است. به ارتباط تلاش مستقل "غنی احمدزی" و انتقال پیامش به وسیله "صلاح الدین ربانی"، "دوستم" با حواله چند دشنام به استقامت "غنی احمدزی" از پذیرفتن امتناع ورزیده است. شما چه فکر می کنید نه از موضع یک رئیس جمهور هر چند دست نشانده، بلکه از موضع یک انسان، وقتی فردی چون "دوستم" حاضر به ملاقات با کسی نگردد، چنان فردی چه باید بکند؟؟ منتظر می مانیم تا:

دیده شود چه می شود!!